

عیسی به درون یک روستا رفت. زنی به نام مرتا او را در خانه اش پذیرایی می کند.

((مرتتا و مریم))

(لوقا ۱۰: ۳۸-۴۲)



مرتتا بسیار مشغول پذیرایی است. اما مریم کنار پای خداوند نشست و به او گوش دهد.

مرتتا خواهی دارد به نام مریم.



مرتتا، مرتتا! تو نگرانی و پدای
چیزهای بسیاری در تکاپو
هستی...



خداوند، آیا پدای تو مهم نیست،
خواهرم همه کارها را پدای من
گذاشته است! پس به او بگو که به
من کمک کند!



مریم بهترین قسمت را برگزیده است:
و از او گرفته نخواهد شد!



تنها یک چیز ضروری است.

